

اخلاق در ورزش با رویکرد بازی منصفانه

طاهره ندایی^۱، خلیل علوی^۲

چکیده

بسیاری از متفکران اخلاق معاصر، معتقدند ورزش در رشد فردی و اجتماعی تأثیر داشته و ورزش هر جامعه، چون آینه‌ای انعکاس دهنده فرهنگ آن جامعه است. با این تفاوت که ورزش ضمن تأثیرگذاری، می‌تواند از ارزشهای جامعه نیز، تأثیر بپذیرد. بنابر این، ورزش مقوله‌ای است که در یک جامعه می‌تواند مسائل فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی و ... را تحت الشعاع خود قرار دهد. در میان تمام مسائل فوق، آنچه از همه بیشتر مورد بی‌مهری واقع شده، بحث فرهنگی و اخلاقی ورزش است، موضوعی که در جوامع مختلف و از جمله جامعه خودمان، کمتر به آن پرداخته شده است. شاید به جرأت بتوان گفت، در یک رویداد ورزشی خواه کوچک یا بزرگ، آنچه به آن زیبایی می‌بخشد، نمایش ارزشهای اخلاقی است. احترام به قوانین، به حریفان، به داوران و تماشاگران، به همراه گذشت، بردباری، جوانمردی، عدم خشونت و تهاجم، به کار نبردن الفاظ زشت، استفاده نکردن از داروهای نیروزا (دوپینگ) و مسائلی از این دست از آن جمله هستند.

در این مقاله سعی شده است، اخلاق ورزشی با رویکرد بازی منصفانه ورزشی مورد بررسی قرار گیرد. محوریت فضایل، بازی، رقابت منصفانه، احترام به قوانین و توافق، برداشت‌های متفاوتی است که از این نوع بازی ارائه شده است. بر این اساس، این نوع بازی در کل جامعه ورزشی، اعم از ورزشکاران، مربیان، داوران، تماشاگران و رسانه‌ها و تعامل نوع ورزش با اخلاق و مشکلات اخلاقی مرتبط با هر حوزه مورد بررسی و نقد قرار گرفته است. کلید واژه‌ها: بازی منصفانه ورزشی، اخلاق ورزشی، رقابت، ورزش، ورزشکار، فضیلت

۱. عضو هیئت علمی دانشگاه قم و دانشجوی دکترای مدیریت ورزشی

۲. عضو هیئت علمی دانشگاه قم

مقدمه

پیشرفت علم و تکنولوژی در جهان معاصر، بسیاری از عرصه‌های زندگی فردی و اجتماعی را تحت تأثیر قرار داده و باعث تحولات فرهنگی، اقتصادی و سیاسی شده است. تربیت بدنی و ورزش نیز به عنوان پدیده‌ای انکارناپذیر و در عین حال تأثیرگذار از این تغییرات بی‌بهره نمانده است. به نظر می‌رسد تربیت بدنی و ورزش در اکثر جوامع از شکل سنتی خود فاصله گرفته و با سرعت به سوی مدرنیسم در حرکت است و در راستای جهانی شدن^۱ مرزهای مکانی و زمانی را درنوردیده و تعاملات اجتماعی و فرهنگی بین ملتها و کشورها معنا و مفهوم جدیدتری پیدا کرده است. (شعبانی بهار، ۱۳۸۴: ۱۵۶)

به رغم آنکه ورزش قابلیت این را دارد تا در اکثر مقوله‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و علمی ایفاء نقش کند و برآستی در جهان کنونی کمتر پدیده‌ای را می‌توان یافت که از چنین ویژگی و قابلیت برخوردار باشد، این پدیده جهانی امروزه با چالشی جدی روبه روست. چالشی که ارزشهای فرهنگی و اجتماعی را هدف قرار داده و به راحتی نمی‌توان از کنار آن گذشت. این موضوع همان از دست رفتن روح ورزش و اخلاق ورزشی در میان کل جامعه عظیم ورزش است که شامل ورزشکاران، مربیان، داوران، تماشاگران و رسانه‌های گروهی و مدیران باشگاه‌ها می‌شود.

بوکسیل^۲، فیلسوف اخلاق معاصر به دلیل پیوند بین ورزش و جامعه و نقش آن در رشد فردی و جمعی، ورزش هر جامعه‌ای را همچون آینه‌ای منعکس کننده خوبیها و بدیهای آن جامعه می‌داند. با این تفاوت که ورزش آینه‌ای است که در ضمن تأثیرگذاری می‌تواند از ارزشهای جامعه نیز تأثیر بپذیرد. (Boxill, 2003:1) به همین دلیل به هر میزان که جامعه‌ای از صلاح یا فساد برخوردار باشد بازتاب آن را در رفتارهای ورزشی، اخلاقی یا غیر اخلاقی، ورزشکاران، مربیان، داوران و به طور کلی جامعه ورزشی می‌توان مشاهده کرد.

گذشته از اینکه رفتارهای اخلاقی و جوانمردانه حاکم بر جامعه ورزشی می‌تواند

1. Globalization
2. Boxill, Jon

ارزشهایی را در جامعه نشان دهد که مورد غفلت قرار گرفته‌اند، می‌تواند با به نقد کشیدن ناهنجاریهای حاکم بر جامعه، ارزشهای حقیقی و اصیل را جایگزین نماید و در مجموع باعث شود تا مردم ارزشهای غیر اخلاقی را نفی کرده و نسبت به ارزشهای اخلاقی نیک برانگیخته شوند و به این ترتیب افراد و جامعه به سمت اخلاقی شدن پیش بروند. (Boxill, 2003:105)

برای تبیین مفهوم اخلاق ورزشی و مسایل مرتبط با آن در ابتدا به تعریف دو واژه اخلاق و ورزش، اشاره‌ای خواهیم داشت. درباره ماهیت اخلاق تعاریف گوناگونی وجود دارد. برخی آن را به مجموعه‌ای از رفتارهای خارجی اطلاق می‌کنند که مطابق با معیارهایی باشد که نظریه‌های اخلاقی مطرح کرده‌اند و بعضی آن را به معنای مجموعه‌ای از ملکات نفسانی می‌دانند. به واسطه وجود همین ملکات خوب و بد است که انسانها به افراد خوب و بد تقسیم می‌شوند. فضایل، مایه کمال و سعادت هستند و رذایل، نشانه نقص و باعث شقاوت می‌گردند. و مراد از علم اخلاق فنی است که به معرفی این دو دسته ملکات می‌پردازد تا فرد پس از شناسایی آنها، خود را با فضایل بیاراید و از رذایل دوری کند و در نتیجه اعمال نیکی که مقتضای درونی اوست، انجام دهد تا در اجتماع انسانی، ستایش عموم و ثنای جامعه را به خود جلب کند و سعادت علمی و عملی خود را به کمال برساند. (علامه طباطبایی، ۱۳۸۲: ۵۵۸)

تعریف دوم سازگار با اخلاق فضیلت^۱ است که پرورش ملکات را مقدمه رفتارهای اخلاقی می‌داند و تعریف اول متناسب با دو نظریه سودگروی^۲ و وظیفه‌گروی است که با محور قرار دادن رفتارهای خارجی، معیارهایی را برای اخلاقی بودن آنها ارائه می‌کنند. سودگراها کسب سود بیشتر را معیار و غایت رفتارهای اخلاقی می‌دانند و وظیفه‌گراها مطابقت با اصول و وظایف اخلاقی را عامل و نشانه اخلاقی بودن فعالیتها می‌دانند.

دومین واژه مورد بحث ورزش است که به دلیل آمیختگی‌اش با تربیت بدنی^۳ باید به تعریف هر یک پرداخت. برخی ورزش را مجموعه‌ای از فعالیتهای حرکتی و تکنیکی سازمان یافته و هدف مندی می‌دانند که در جهت حفظ و تأمین سلامتی و افزایش قابلیت‌های جسمانی

1. Virtue Ethics
2. Utilitarianism
3. Physical Education

است. دارای قوانین و مقررات خاص خود بوده، می‌تواند همراه با رقابت، مسابقه، برد و باخت باشد. (شعبانی بهار، ۱۳۸۴: ۲۰) یا بعضی دیگر آن را نمونه‌ای از فعالیت آزادانه و اختیاری تعریف می‌کنند که قوانین و مقرراتی بر آن حاکم است و به دلیل آن که نوعی مبارزه بدنی است نیاز به توانایی بالای بدنی برای برجسته‌تر شدن در رقابت دارد و ورزشکار در این رقابت برای رسیدن به هدف تلاش می‌کند. تعریفی که نزدیک به تعریف بوکسبیل است؛ یعنی ورزش فعلیتی است اختیاری که در حیطه آزادی شخص قرار دارد، قاعده مند است (رعایت قوانین بازی، امنیت بازی و بازی منصفانه، در این بخش جای دارد) توأم با تلاش و مبارزه فیزیکی است و مستلزم رقابت است (Boxil, 2003: 1-8).

اما تربیت بدنی مقوله‌ای است که در برخی جهات از ورزش و تعاریف آن متفاوت به نظر می‌رسد. تربیت بدنی بخشی مهم از تعلیم و تربیت است که از طریق حرکات مبتنی بر اصول علمی، جریان رشد و تکامل را در تمام ابعاد وجود انسانی (جسمانی، روانی و اخلاقی) تسهیل و هماهنگ و به رشد و شکوفایی استعدادهای فرد کمک می‌کند. (آذربانی، کلاتری، ۱۳۸۵: ۴) هرچند تعریف تربیت بدنی با ورزش بسیار نزدیک به هم به نظر می‌رسد، مرزبندی آن تا حدودی مشکل است ولی آنچه شایان ذکر است آنکه معنا و مفهوم تربیت بدنی نسبت به ورزش گسترده‌تر و عمومی‌تر و اهداف آن تندرستی و سلامتی می‌باشد، در حالی که ورزش بیشتر جنبه رقابتی و حرفه‌ای دارد.

به هر حال وقتی اخلاق وارد گستره ورزش می‌شود باید با توجه به اصول و ارزشهای اخلاقی، رفتارها و فعالیت‌های جامعه ورزشی اعم از ورزشکاران، مربیان، داوران، مدیران باشگاه‌ها و حتی تماشاچیان را مورد ارزیابی قرار داد و با شناسایی وظایف اخلاقی و عمل مطابق با آن و گسترش ارزشهای اخلاقی، در واقع تمام رفتارهای فردی و اجتماعی را که در محیطهای ورزشی و سایر محیطهای اجتماعی و بخصوص از ورزشکاران و مربیان صادر می‌شود، بر اخلاق مبتنی کرد.

پیشینه اخلاق ورزشی

در ابتدا با چند پرسش اساسی مواجهیم. آیا بحث اخلاق ورزشی موضوع جدیدی است یا در گذشته نیز مطرح بوده است؟ آیا رفتارهای ضد اخلاقی در ورزش از گذشته وجود داشته

یا پیشرفت علم و مدرنیسم آن را ایجاد یا تشدید کرده است؟ آیا زیرپا نهاده شدن قوانین و مقررات بازی، از دست رفتن روح بازی و رقابتی منصفانه در صحنه‌های ورزشی اندیشمندان را با این پرسش اخلاقی مواجه کرده که پیروزی به هر قیمت ارزشمند و اخلاقی است؟ برای پاسخ به این سؤالات ناگزیریم تا جستجوی کوتاهی در تاریخ بکنیم.

فرهنگ جوامع مختلف حاکی از این است که از ورزش به گونه‌های مختلف بهره گرفته می‌شده و گاه جنبه‌های اخلاقی آن بسیار ضعیف بوده است. مثلاً، در روم باستان گلاادیاتورها از ورزش برای تنومند شدن و کشتن حریفان در میدانهای رزم استفاده می‌کردند تا موجب بقاء خود شده، تفریح و شادی شاهان و امپراطوران را فراهم آورند. در روم قرون وسطی، راهبان مسیحی، تنومندی جسم و تن را مردود می‌شمردند. آنها اعتقاد داشتند هرچه تن قوی‌تر شود، روح ضعیف‌تر خواهد شد. اما یونان و ایران از جمله کشورهایی بودند که اخلاق، جوانمردی و درستی را در ورزش، یک ارزش اجتماعی می‌دانستند. (کاشف، ۱۳۸۰: ۴)

همچنین، جستجو در ادبیات پیشینه ایران نشان می‌دهد، ایران از زمانهای بسیار قدیم و بویژه پس از پذیرش اسلام و تأثیرات آن در کلیه شئونات زندگی، معنویت و اخلاق را با فرهنگ ورزشی و ورزشکاری عجین نموده است. تاریخ معنوی و فرهنگی ورزشی ایران مزین به اعمال جوانمردانی است که ایمان، اخلاق، اخلاص، راستگویی، پاکی و سایر صفات عالی انسانی زیننده اخلاق پهلوانی آنان بوده است.

به طور کلی در میان کشورهای مشرق زمین، ایران کشوری بود که برای تعلیم و تربیت بدنی و سلامت تن و روان اهمیتی خاص قائل بود. در این باره هرودوت، مورخ مشهور یونان می‌نویسد: ایرانیان از پنج تا بیست سالگی سه چیز را می‌آموختند: ۱- سوارکاری، ۲- تیر و کمان، ۳- راستگویی. بنابراین مشاهده می‌شود که از گذشته‌های بسیار دور رابطه منطقی بین فرهنگ ورزشی و فرهنگ راستگویی وجود داشته است. به عبارت دیگر در کنار آموزشهای ورزشی، نظامی و مهارتی، آموزه‌های دینی چون راستگویی و صداقت نیز همزمان مورد توجه قرار می‌گرفته است. (شعبانی بهار، ۱۳۸۴: ۱۵۵ و ۱۵۶). شاید به جرأت بتوان گفت: یکی از ورزشهایی که امروزه همچنان به عنوان شاخص تعیین‌کننده ارتباط بین فرهنگ و ورزش وجود دارد، همان ورزش باستانی است. در این ورزش، نه تنها به تقویت جسم توجه شده بلکه تقویت روح و روان و تربیت مذهبی و اخلاقی جوانان نیز مورد توجه قرار گرفته است.

ورزشکاران این رشته بر اساس تعلیمات دینی و با الهام از سیره انبیاء و ائمه معصومین می‌دانند که ورزش هدف نیست، بلکه وسیله‌ای است برای بهتر خدمت نمودن به خدا و خلق خدا، و اینکه قوی‌ترین مردم کسی است که بر هوای نفسانی خود غلبه کرده و به هنگام خشم آن را فرو برد و به هنگام غلبه بر خشم، عفو را شکرانه نعمت پیروزی که خدا به او اعطا فرموده، قرار دهد. اما آیا این رفتارهای زیبا ویژه تاریخ گذشته است یا در دنیای رقابت امروزی، در سطح جامعه خودمان و یا در سطح جهان نیز، گستره روح معنوی و اخلاقی را می‌توان در صحنه‌های ورزش و در میان ورزشکاران و رقابت‌های ورزشی مشاهده کرد؟

در این بررسی تاریخی و در نگاهی اجمالی به برگزاری رویدادها و مسابقات مدون ورزشی، که تا حدی از سطح جامعه فراتر رفته و با گذر از مرزها، جنبه گسترده‌تری به خود می‌گیرد، به مسابقات المپیک می‌رسیم. پیردوکوبرتن^۱ به عنوان احیاء کننده جنبش المپیک در سال 1896، در جهان شناخته می‌شود. وی می‌گوید: "المپیزم، فلسفه‌ای در زندگی است که صفات جسمانی، ارادی و فکری را در هم آمیخته و بقا می‌بخشد. المپیزم با در هم آمیختن ورزش از یک سو و فرهنگ و آموزش از سوی دیگر، روشی را در زندگی شکل می‌دهد که بر پایه لذت بردن از تلاش و ارزشهای آموزشی و احترام به اصول اخلاقی جهانی، استوار است" (جکسون، وریچارد پالمر، 1383: 21). در نتیجه جنبش المپیک، اهداف اخلاقی، آموزشی و بین‌المللی را در هم می‌آمیزد و بدان توجه ویژه‌ای دارد.

در مراسم افتتاحیه بازیهای المپیک، یکی از ورزشکاران از طرف ورزشکاران و یکی از داوران نیز از طرف داوران سوگند یاد می‌کنند تا در برابر «روح واقعی ورزشکاری» متعهد باشند. تبعیت از مقررات و دیگر رفتارهای منطبق با روح ورزشی، به قولی، مترادف با واژه «بازی منصفانه»^۲ است، اما در این دوره مسابقات و مسابقاتی از این دست، بازی منصفانه که باید به واقع‌نمایی از نگرش و اعتقاد به ورزش همراه با اخلاق باشد، برآستی تا چه حد قابل مشاهده است؟

1. Pierre De Coubertin
2. fair play

بازی منصفانه

بازی منصفانه بیشتر مفهومی کاربردی است و بسیاری از طرفداران آن متمایلند تا ارزشهای مثبت را از طریق ورزش، آموزش دهند. بی تردید از طریق ورزش می توان ارزشهای فراوانی را رواج داد اما خوب بودن ارزشها به شیوه بازی و آموزش آن بستگی دارد. مراد از بازی منصفانه این است که ورزش باید ارزشهای مثبت اجتماعی یا اخلاقی را به کار گیرد و گسترش دهد.

به رغم اهمیت و ارزشمندی بازی منصفانه، ماهیت، زمینه، چگونگی توجه به عمل منصفانه و غیر منصفانه، تعریف فریب و جوانمردی، جایگاه اخلاق و نقش قانون از مباحث مورد نزاع در ورزش و در جهت انجام یک بازی منصفانه است.

پنج برداشت از ورزش شده است: ۱- به معنای محوریت فضایل و فعالیت‌های مطابق با آن ۲- به معنای بازی^۱ ۳- به معنای رقابت منصفانه^۲ ۴- به معنای احترام به قوانین^۳ ۵- به معنای توافق یا قرارداد^۴. لازمه برداشت اول برخورداری از فضایل و رفتارهای فضیلت مندانه و اخلاقی مطابق آنهاست. معنای دوم یعنی تلقی ورزش به عنوان بازی، ناظر به ارزشهای درونی بازی است که در صورت توجه و تلاش برای رسیدن به آنها به دست می آید. این معنا مبتنی بر تحلیل ورزش به عنوان بازی است. در این رویکرد ورزش بخشی از زندگی روزمره ما نیست بلکه آن را آزادانه انتخاب می کنیم و فی نفسه به خاطر ارزش خودش آن را انجام می دهیم.

مراد از بازی به عنوان توافق، پایبندی به قوانین مربوط به بازی است و بی انصافی به معنای نقض قراردادهاست. لازمه احترام به قوانین، علاوه بر پیروی از قوانین این است که ارزیابی و ارزشگذاری هم بر پایه آن صورت می گیرد، همانطور که اصل احترام به خود مختاری اقتضای این را دارد. باچر و اشنايدر^۵ ورزش را به عنوان بازی می پذیرد و دستیابی به

1. Game
2. Fair Contest
3. Respect For Rules
4. Contract Or Agreement
- 5-Butcher, Rand Schneider, A

ارزش درونی بازی یا ورزش و عمل مطابق با ارزشهای خود بازی را به معنای انصاف در ورزش می‌داند. در این معنا ورزش اصولاً به عنوان نوع خاصی از بازی تلقی می‌شود. بنابر گفته سوئیت^۱ (۱۹۹۸) نیز، بازیها در صورتی که در بر گیرنده مهارتهای بدنی باشند و به انگیزه رسیدن به سطح ثبات سازنده انجام شوند، به آنها ورزش گفته می‌شود. (Jones, Mcnamee, 2003: 41)

سوئیت این قوانین ورزشی را قوانین سازنده^۲ می‌نامد، چون تعیین کننده محدوده فعالیت ورزشکار و سازنده می‌باشند. این قوانین، فرد را از انجام برخی رفتارهای خطرناک باز می‌دارد. با وجود اهمیتی که ارزش درونی بازی به عنوان یک عمل دارد، معنای اول را نمی‌توان نادیده گرفت؛ چه همانند برخی متفکرین وجود فضایل را برای اعمال ضروری بدانیم، یا بازی منصفانه را چیزی بیش از تبعیت از قوانین یا انجام فعل به خاطر ارزش ذاتی‌اش تلقی کنیم، وجود فضایل برای بازی منصفانه لازم است و درواقع، تشکیل دهنده ماهیت اصلی بازی منصفانه است. (Mcnamee and Jones, 2003: 44).

در این معنای بازی منصفانه، هدف ورزش، پرورش فضایل است و برخلاف رویکرد قبلی یا به عنوان مکمل رویکرد قبلی که قانون محور بود، بر رشد درونی تکیه دارد. در این دیدگاه، پرورش فضایل مثل صداقت، شجاعت و انصاف مطرح است. در این صورت ورزش را بر حسب منش اخلاقی یا انسانی در نظر می‌گیریم و قوانین اخلاقی را هم در این جهت تفسیر می‌کنیم. مطابق این دیدگاه، مجموعه‌ای از فضایل یا اوصاف و افعال قابل تحسین وجود دارد که با ورزش ارتباط داشته و در فعالیتهای ورزشی بیشتر کاربرد دارد. گسترده‌ترین اثر معاصر در این رابطه کتاب "رشد منش و فعالیت بدنی"^۳ تألیف شیلدز^۴ و بردمیر^۵ می‌باشد که نگارش آن پانزده سال طول کشید. آنها چهار عنصر دلسوزی، انصاف، جوانمردی و شرافت را به عنوان

1. Suite, B
2. constitutive
3. Character Development and physical Activity.
4. shields
5. Bredemeier

فضایل مطرح می‌کنند و معتقدند که از طریق برنامه‌های ورزشی قابل آموزشند. (Bredemeier and Shields, 1984: 193-94) برخی دیگر عدالت، مسئولیت، نیکوکاری و شرافت را به عنوان فضیلت اساسی در زمینه ورزش پذیرفته‌اند. شیلدز و بردمیر فرآیندی را که منجر به انجام عمل اخلاقی می‌شود به چهار بخش تقسیم می‌کنند: ۱- تفسیر، ۲- قضاوت، ۳- انتخاب ارزش (ارزشگذاری)، ۴- اجرای عمل.

تفسیر مرحله‌ای است که شخص، علائم یا نشانه‌های مهم اخلاقی را که در موقعیت ویژه وجود دارد مشخص می‌کند و بر اساس این حالات، موقعیت خاصی را که به لحاظ اخلاقی اهمیت دارد، تعیین می‌کند. مرحله دوم، فرآیند شناختی قضاوت کردن اخلاق است که در آن نوع قضاوت، اخلاق به بلوغ اخلاقی فرد بستگی دارد. در مرحله سوم، یعنی انتخاب ارزش، شخص ارزشی را انتخاب می‌کند که انعکاسی از قضاوت اخلاقی وی دارد و راهنمای عمل اوست. در مرحله چهارم، یعنی اجرای عمل، فرد پاسخ یا عمل خود را بر اساس قضاوت و انتخاب خود اجرا می‌کند. آنچه این مدل بر آن تأثیر دارد نگاه به فضیلت اخلاقی است و فضیلت اخلاقی، عملی است که با این خصوصیات توضیح داده می‌شود. مطابق این مدل فرد باید دارای فضایل اختصاصی ویژه‌ای باشد تا بتواند درست تصمیم‌گیری کند. مثل شفقت، انصاف، جوانمردی و شرافت که نقش مؤثری در ایفای عمل اخلاقی دارند. (Jones and McNamee, 2003:45)

بر اساس این رویکرد، ورزش سهم ضروری در شکل‌گیری منش دارد و یک فرد، در ضمن بازی منش خود را نشان می‌دهد. پرورش فضایل برای آنکه فرد از موارد پیچیده و مبهم بازی بفهمد چگونه باید عمل کند، مؤثرند. این نظریه برخلاف سودگروی است که رشد رفاه خود و دیگران را در نظر دارد. در اینجا آشنایی با اصول اخلاقی و توجه به معیار مورد نظر کفایت می‌کند ولی بر اساس نظریه فضیلت

1. Interpretation
2. Judgement
3. Value Selection
4. Implementing Action.

محور وضعیت متفاوت است به عبارتی خیر اخلاق در ارتباط با یک سیستم قواعد یا اصول تعریف نمی‌شود و به گفته جونز و مک نامی در رفتارهای پیچیده اجتماعی مثل ورزش، رشد و ظهور منش اخلاقی تعیین کننده است نه قوانین و اصول. (I bid, 2003: 47)

در این مقاله سعی می‌شود تا بازی منصفانه در رابطه با نوع ورزش، ورزشکاران، مربیان و داوران و تماشاچیان و مدیران باشگاه‌های ورزشی و رسانه‌های گروهی مورد بررسی قرار گیرد. در این رابطه برخی از مشکلات اخلاقی این مقوله از نگاه بازی منصفانه مورد توجه هستند. بازی منصفانه در اینجا ترکیبی از برداشت‌هایی است که مطرح شد اما فضایل، مهمترین نقش را ایفا می‌کنند.

اخلاق و نوع ورزش

در بررسی انواع ورزش، با مقایسه و نشان دادن مشخصات مهم و اصلی ورزشها، از گذشته تا امروز، می‌توان چهار دسته طبقه‌بندی را در ارتباط با اخلاق و نوع ورزش مطرح کرد. دسته اول رقابتهایی هستند که تلاش افراد در جهت غلبه بر طبیعت است. تلاشی که فرد برای پیروزی نیازی به حریفی دیگر برای غلبه و دفاع از خود ندارد. برای مثال در کوهنوردی و صخره‌نوردی، فرد برای غلبه بر موانع طبیعی، نیاز به توانایی جسمی و بدنی دارد. (Boxill, 2003: 109)

به نظر می‌رسد در اثبات بعد اخلاقی اینگونه ورزشها، می‌توان به ترکیب جنبه‌های ذهنی و روانی و جسمانی فرد برای رسیدن به یک هدف خاص اشاره کرد که جنبه‌های ورزش حرفه‌ای و به دور از اخلاق را به همراه ندارد.

در دسته دوم از فعالیتهای ورزشی، فرد با طبیعت مواجه نمی‌شود، بلکه با حریفان مواجه می‌شود. در ورزشهایی چون ژیمناستیک، مسابقات نمایشی اسکیت، ورزشهای میدانی چون پرش طول، پرش با نیزه، می‌توان به روشنی به این موضوع رسید. (I bid, 2003: 109) در این نوع ورزشها فرد تلاش می‌کند، بهترین عملکرد خود را در حین مسابقه نشان دهد. به عبارتی، هر ورزشکاری جدای از دیگران مسابقه می‌دهد.

مقایسه اخلاقی اینگونه ورزشها نشان می‌دهد، حریفانی که فرد با آنها مقایسه می‌شوند، فقط حریف هستند و نباید به عنوان دشمن به آنان نگریسته شود. هر فردی تلاش می‌کند تا به بهترین عملکرد ورزشی خود دست یابد. در ورزشهای سازمان یافته شده چون المپیک، هدف

شرکت در مسابقه است و پیروزی به هر قیمت هدف نیست. شاید مثالی، به روشن تر شدن بحث اخلاقی اینگونه مسابقات کمک کند.

در المپیک 1936 برلین، در مسابقات پرش طول "جسی آونس آمریکایی و لازلانگ آلمانی" بعد از چهار بار پرش در رکورد 7/87 متر مساوی شدند. لازلانگ به حریف خود توصیه‌ها و راهنمایی‌هایی را ارائه کرد. جسی آونس با پرش 8/06 مسابقه را برد. و هر دو مورد تشویق تماشاگران قرار گرفتند. (جکسون، راجر و ریچارد پالمر، 1383: 142) این مثال کاملی از وجود یک بازی منصفانه ورزشی است که ورزش را به روح اخلاق آمیخته است. در سویی دیگر و در مسابقات دو میدانی، بن جانسون دهنده دوی 100 متر سرعت، رکورد این مسابقه را با دوپینگ کردن، شکست. وی علاوه بر از دست دادن مدال طلای خود، مسابقات خوب ورزشی، تواناییهای جسمانی و روحی خود را در کل جهان به زیر سؤال برد و به عنوان یک الگوی نامناسب اخلاقی مطرح شد.

در دسته سوم از فعالیتهای ورزشی، فرد به شکل رودر رو¹ با حریف خود مواجه می‌شود. به عبارت دیگر بدون وجود داشتن حریفی که بتوان با او بازی کرد، فرد نمی‌تواند بهترین اجرا و توانایی خود را نشان دهد. ضمن اینکه در این رقابتها برخورد بدنی نیز وجود ندارد، مانند: تنیس، بدمینتون، تنیس روی میز و در این نوع ورزشها، چون جنبه‌های تماس بدنی وجود ندارد، فرد فقط از طریق یافتن نقاط ضعف حریف و افزایش توان خود و داشتن تمرینات بدنی مناسب، می‌تواند به پیروزی دست یابد. گاه دیده می‌شود در اینگونه ورزشها نیز افراد از مواد نیروزا استفاده می‌کنند و ارزشهای اخلاقی را زیر سؤال می‌برند.

در نوع چهارم که از دسته ورزشهای رودررو می‌باشد و در آن تماس بدنی نیز وجود دارد، چون فوتبال، بسکتبال، هندبال و ... به دلیل موقعیت بازی، زمان و فضای بازی، استراتژیهای بازی نیز تغییر می‌کند. در اینگونه ورزشها، مشکلاتی چون عصبانیت، تجاوز از قانون، تهاجم، گول زدن و ... افزایش پیدا می‌کند. (Boxill, 2003: 111)

در ورزشهای نوع اخیر، با توجه به نوع بازی، سطح و زمان مسابقه و فشردگی اینگونه

1.Face To Face

فعالیتها، نمی‌توان ادعا کرد که باید اجرای کامل و منحصر به فردی از بازیکنان انتظار داشت ولی با رعایت قانون، تلاشی فراوان ولی نه غیر ورزشی و غیر اخلاقی و با توجه به برخی مشخصات ذاتی ورزش از جمله ارزشهای درونی و بیرونی آن، می‌توان نمایش زیبایی از روح واقعی ورزشکاری را به نمایش گذاشت.

در بررسی رهیافتهای اخلاقی و کاربرد آن در فعالیتهای مختلف ورزشی به تقسیم‌بندی دیگری نیز باید اشاره کرد. در این تقسیم‌بندی، ورزش بر روی پیوستاری قرار می‌گیرد. در یک سمت این پیوستار، بازی^۱ قرار دارد. و در سمت دیگر این پیوستار رقابت^۲ و ورزش قهرمانی^۳ قرار دارد که التزام به پیروزی دارد. (شکل 1-1) (بای، جان، 1386: 23)

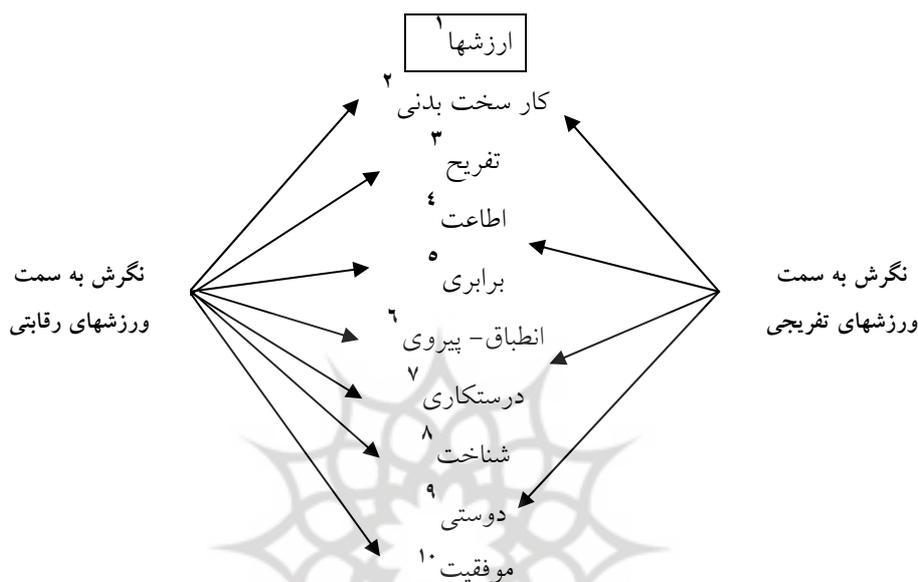


شکل 1-1- تقسیم‌بندی سطوح رقابتی در مسابقات

مطابق با پیوستار فوق شرکت‌کنندگان در ورزش ملزم به رعایت روح بازی و پیروزی، در شرایط برابر هستند. بسیاری از فعالیتهای فوق برنامه ورزشی نیز در این سطح قرار دارند. هر اندازه به سمت ورزش قهرمانی و مسابقات و رقابت حرکت کنیم از رعایت روح بازی کاسته شده به سمت التزام به پیروزی پیش می‌رویم. این امر باعث می‌شود در برخی شرایط، افراد، بسیاری از اصول اخلاقی و بازی منصفانه ورزشی را در شرایط برابر زیرپا نهاده، با خشونت، زیرپا نهادن قانون، ناسزا، دوپینگ، شرط بندی و ... روحیه منصفانه ورزشی را خدشه‌دار کنند. در سمت دیگر این پیوستار، هر اندازه به سمت بازی پیش رویم، التزام به تفریح و بازی بیشتر می‌شود و این همان هدف تقسیم‌بندی ورزش تحت عنوان فوق برنامه ورزشی است که اهداف، تفریح، آمادگی جسمانی، رقابت، تکوین شخصیت و رهبری را در بر می‌گیرد. بی‌مناسبت نیست که با توجه به ارزش اخلاق و کاربرد آن در ورزش، به یک تئوری ارتباطات

1. Playful, Game
2. Competition
3. Athletics

فرضی که تعیین کننده ارزشهای فردی است و این ارزشها خود باعث نگرش به سمت دو دسته ورزشهای رقابتی و ورزشهای تفریحی می گردد، اشاره کرد. (شکل ۲-۱)



شکل ۲- تئوری ارتباطات فرضی تعیین کننده ارزشهای فردی (Chelladurai,

Packianathan, 1999, 84)

نمودار فوق، از بعد اخلاقی ما را به این نتیجه می رساند که آنچه در بین هر دو نوع ورزش تفریحی و رقابتی مشترک است و ورزشکاران و مربیان و داوران باید به آن توجه داشته

1. values
2. Hard Work
3. Pleasure
4. Obedience
5. Equality
6. Conformity
7. Honesty
8. Recognition
9. Friendship
10. Success

باشند، برابری و درستکاری است. وقتی نوع ورزش به رقابتی میل می‌کند، تمرینات سخت بدنی، اطاعت از قانون، پیروی از تیم و مربی، شناخت از خود و حریف و توجه به موفقیت ضروری است. وقتی نوع ورزش به تفریحی میل می‌کند، تفریح، برابری، درستکاری و دوستی اهمیت بیشتری پیدا می‌کنند. بنابراین می‌توان گفت در هر نوع ورزشی و در تحت هر شرایطی درستکاری و برابری که به معنای داشتن روحیه منصفانه ورزشی است، باید رعایت شود و با رعایت این دو نکته مهم یا این اصل کلی (روحیه منصفانه ورزشی) می‌توان دنیای ورزش را عاری از هرگونه رفتارهای ضد اخلاقی نمود. به نظر می‌رسد این امر تأییدی باشد بر تعاریف ورزش پهلوانی در ایران قدیم و یونان باستان که به درستکاری بسیار اهمیت می‌دادند. آنچه تا اینجا شرح دادیم، مطابق با نظر یکی از نظریه‌پردازان اخلاق ورزشی، کیتینگ^۱ است که معتقد است در انجام دادن یک فعالیت ورزشی خواه رقابتی، خواه تفریحی باید فرد تمام تلاش خود را برای نشان دادن بهترین اجرای خود انجام دهد، اما تلاشی که مطابق با روحیه ورزشکاری و جوانمردی^۲ باشد. (Pearson, Kathleen, 2003: 85)

تعامل ورزشکاران با اخلاق

در شروع نیمه دوم قرن بیستم، در بسیاری از ورزشهای سازماندهی شده، ورزشکاران کم‌کم از سطح آماتور خارج و به حرفه‌ای شدن روی آوردند. در بین ورزشکاران تمام رشته‌ها ورزشکاران رشته فوتبال حرفه‌ای در کل دنیا و بسکتبال حرفه‌ای در آمریکا پیش‌تاز بستن قراردادهای کلان بین خود و باشگاه خود بودند.

در گذشته، هیچ کس نمی‌توانست فکر کند، چگونه ممکن است فردی با تواناییهای بالا در یک رشته ورزشی خاص، بین دو باشگاه، باشگاهی را انتخاب کند که پول بیشتری بدهد و یا نمی‌توانست تصور کند، چگونه، نرخ بازیکن و نرخ قرارداد نقل و انتقال است که می‌تواند باعث بالا رفتن سهام آن باشگاه خاص، فروش لباسها و کالای ورزشی آن باشگاه و افزایش جلب تماشاگر و مواردی از این دست شود. اتفاقاتی که عکس این واقعیتها را نشان دهد نیز

1. Keating, James W.
2. Sportsmanship & Fire Play.

وجود داشت، مدیران باشگاههایی بودند که پول ورزشکاران خود را تمام و کمال پرداخت نمی‌کردند، یا هنگام نقل و انتقال بازیکنان، بدون اطلاع آنها زدوبندهایی انجام می‌دادند و ورزشکاران و بازیکنان بدون داشتن قراردادهای محکم مالی، نمی‌توانستند مشکلات حقوقی و قانونی خود را حل کنند. به نظر می‌رسد یکی از مواردی که می‌تواند در سطح جامعه ورزش و در بحث رعایت اصول اخلاقی قابل بحث باشد مسائل مالی و حقوقی بین ورزشکاران و مدیران باشگاهها باشد. توجه به این نکته مهم، وضع معیارهای قانونی و حقوقی، قرار دادن ملاکهایی برای سقف قراردادهای منعقد شده بین فرد و باشگاه، گذاردن معیارها یا بندهای قانونی که بازیکن را به باشگاه متعهد اخلاقی کند و در مقابل، کاهش مشکلات اخلاقی در این حیطه را اقتضاء کند. اما بازیکنان به موضوع اخلاقی دیگری نیز باید توجه داشته باشند و آن سلامتی خود و استفاده نکردن از داروهاست. موضوعی که در این دوره از زمان و جهان ورزش، بسیار بحث‌انگیز و تأثیرگذار است.

گفته می‌شود که در قرن نوزدهم، تنی چند از ورزشکاران ناجوانمرد، در نوشیدنیهای حریفان خود، نوعی ماده مخدر به نام لودانوم^۱ می‌ریختند تا بدین ترتیب در اجرای ورزشی آنها، اختلال ایجاد کنند. با پیشرفت علوم پزشکی، این روند بالعکس شده است. ورزشکاران برای بهبود و اجرای ورزشی خود، از این موارد استفاده می‌کنند. (جکسون، راجر و ریچارد پالمر، 1383: 156) تاریخ ورزش نشان دهنده افزایش تعداد افرادی است که از این داروها استفاده می‌کنند. در این میان هر چه سطح مسابقات بالا می‌رود، افراد تمایل بیشتری به استفاده از این داروها پیدا می‌کنند. ورزشکاران ضعیف النفس درصدد برمی‌آیند با استفاده از این داروها و تقویت جسم، خود را متفاوت با واقعیت وجودی خود نشان دهند. این امر نشانه عدم صداقت درونی ورزشکار و نوعی فریبکاری اوست که با روح ورزش ناسازگار است.

خوان آنتونیوسامارانش^۲ رئیس سابق کمیته ملی المپیک (Ioc)^۳ می‌گوید: دوپینگ، تقلب و چیزی شبیه مرگ است. مرگ فیزیولوژیکی (تغییرات نامطلوب فیزیولوژیکی در بدن)، مرگ

1. Laudanum
2. Juan Antonio Samaranch
3. International Olympic Committee(Ioc)

جسمانی (که به کرات در سالهای اخیر در ورزشکاران دوپینگی مشاهده شده)، مرگ روحی و اخلاقی (با جدا کردن ورزشکاران از قوانین و مقررات و زیرپا گذاردن شخصیت و روحیه ورزشکاری ایجاد می شود) (جکسون، راجر و ریچارد پالمر، 1383: 159).

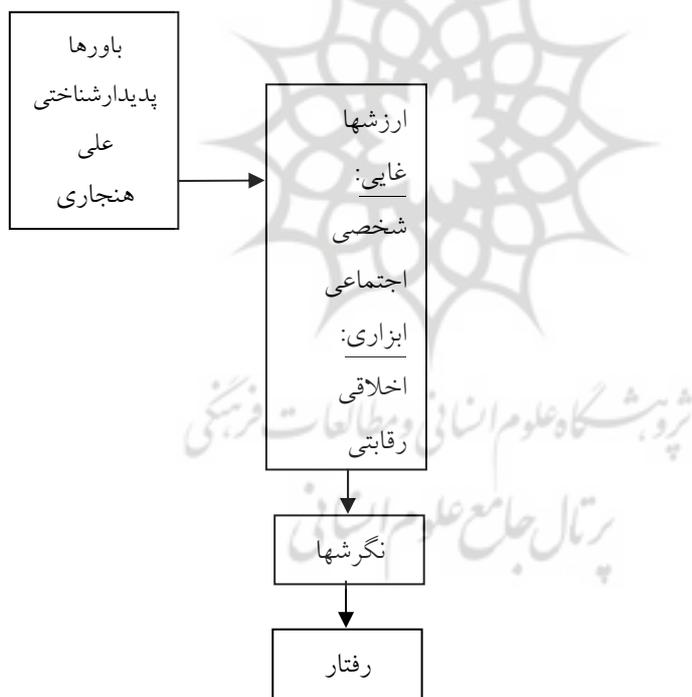
دور شدن از جنبه های واقعی ورزش، ارزشهای اخلاقی و روی آوردن به ماهیت رقابتی بودن ورزشی می تواند استفاده از مواد نیروزا را تشدید کند. متأسفانه در میان ورزشکاران و مربیان اهداف اخلاقی نسبت به فعالیتهای ورزشی که جنبه رقابتی دارند، متفاوت است. در مسابقات ورزشی رقابتی البته از دیدگاه برخی از ورزشکاران و مربیان، دو رویکرد متفاوت وجود دارد:

۱- مسابقات ورزشی به دلیل رقابتی بودن، ذاتاً غیر اخلاقی هستند، زیرا باعث خودپرستی و خودخواهی افراد گردیده و به حریفان به چشم دشمن، نگریسته می شود و اینها موانعی بر سر راه رسیدن به پیروزی هستند.

۲- در مسابقات ورزشی، چون هدف رسیدن به پیروزی است و حریفان به عنوان دشمن هستند، فریب دادن آنها، استفاده از داروها و دوپینگ کردن مجاز است. در رویکرد دوم، نتیجه چنین رقابتهایی، آسیب دیدن بدن و روح و شخصیت انسان است. آنچه اشاره شد، بیماری ای است که در بسیاری از سطوح مسابقات ورزشی و در بین بسیاری ورزشکاران سایه افکنده است و آن سندرم "پیروزی به هر قیمت" است (Boxill, 2003: 107).

دو رویکرد فوق به دلیل افراطی بودن، نمی توانند، بازگویی واقعیت باشند زیرا، اول اینکه، ورزش و رقابتهای ورزشی را در هر سطحی، نمی توان ذاتاً غیر اخلاقی دانست و نیازی نیست به حریفان به چشم دشمن نگریسته شود. از سوی دیگر غیر اخلاقی بودن رقابتهای ورزشی بستگی به نوع ورزش، و یا نحوه رقابت کردن با دیگران و دیگر مؤلفه هایی دارد که به گونه ای با ورزش در ارتباطند. با توجه به اینکه اهداف، ابزار، قوانین و نگرشهای ورزشکار را می توان از جمله مؤلفه های ورزش

تلقی کرد و درستی و نادرستی هرکدام از مؤلفه‌ها می‌تواند باعث موجه یا ناموجه بودن رقابت‌های ورزشی گردد، به این سادگی نمی‌توان هر نوع رقابتی را مطلقاً غیر اخلاقی تلقی کرد بلکه انجام فعالیت‌های ورزشی صرفاً با انگیزه و هدف دستیابی به پیروزی و یا سود ناشی از آن، استفاده از هر روشی و ابزاری برای رسیدن به هدف، وضع قوانین نادرست حرفه‌ای، و نگرش نادرست ورزشکاران که ناشی از عدم آگاهی آنها نسبت به ارزشهای اخلاقی و نادرستی باورهای هنجاری آنها می‌باشد، می‌تواند به نحو محسوسی به غیر اخلاقی بودن بازیهای رقابتی بینجامد. رکاج ضمن توضیح نظریه خود در این باره رابطه بین باورها، ارزشها، نگرشها و رفتارها را بدین صورت نشان می‌دهد. (شکل ۱-۳)



شکل ۱-۳ مدل باورها و ارزشهای «رکاج»

مطابق با این مدل، ارزشها، سازنده نگرشهای فرد بوده و درستی و نادرستی آنها می‌تواند به رفتارهای اخلاقی و غیراخلاقی منتهی شود. در این شکل، ارزشهایی که فرد به آن باور دارد، بیشترین حجم را به خود اختصاص داده است. پس می‌توان گفت ارزشها هستند که نگرشهای فرد را شکل می‌دهد تا مطابق با آن ارزش و نگرش، فرد رفتاری اخلاقی یا غیر اخلاقی داشته باشد. وقتی فردی رفتاری غیر اخلاقی از خود نشان می‌دهد، در واقع، ارزشهایی که شخص به آن باور دارد، کوچکتر شده و نگرش و در نتیجه آن رفتار فرد، بیشتر بسته به تعداد اهداف یا موقعیتهایی است که فرد در آن قرار گرفته است. به عبارتی دیگر رفتار غیرمنصفانه و ناصحیح فرد، در نتیجه نادیده گرفته شدن ارزشهای اخلاقی صورت می‌گیرد. (Chelladurai, Packianathan, 1999,83) بر اساس این طرح، خشونت، ناسزا گفتن، قانون شکنی، استفاده از مواد نیروزا، شرط بندی و قمار و ... رفتارهای غیر اخلاقی است که ارزشها و باورهای فرد را زیر سؤال می‌برد (Chelladurai, Packianathan 1999:82-84)

از این رو آثار مضر حاصل از استفاده از مواد نیروزا و اعمال غیر اخلاقی و ناجوانمردانه ناشی از آن که در تعدادی از مسابقات دیده می‌شود نوعی انحراف از یک مسابقه ایده آل و برابر است و طبیعتاً با صداقت و عدالت، ناسازگار است. علاوه بر اینکه مسابقات ورزشی، به اعتقاد بوکسلیل، مطمئن ترین راه ارتقاء، حفظ و نگهداری اجرای حرکات ورزشی، در هر رشته است و باعث تکامل زیبای جسم و روح می‌شود، بهترین اجرای ورزشی، در کنار اعتماد به نفس، روحیه جوانمردانه ورزشی و دوستی و برابری مشاهده می‌شود. (Boxill, 2003: 107-108) به اعتقاد وی مهمترین و اثر گذارترین بعد ورزشی، تربیت و پرورش روح و جسم می‌باشد. برخی از نویسندگان از زاویه دیگر مشکل اخلاقی دوپینگ و مسائل مرتبط با آن را مورد بررسی قرار می‌دهند و در مقالات خود با آنکه از چنین رفتارهای غیر اخلاقی

1. Self - Confidence

حمایت نمی‌کنند اما برخورد با این شکل را مورد ارزیابی اخلاقی قرار می‌دهند و دیگران را به تأمل بیشتر و دوباره در این رابطه فرا می‌خوانند. در اینجا به چند مورد اشاره می‌شود. مالی، داوت و زاگوس، در مقاله خود ضمن اشاره به اهمیت آزمایش کردن ورزشکاران برای آگاهی استفاده از داروها به نادیده گرفتن موارد اخلاقی این عمل اشاره می‌کنند. به عقیده آنان احتمال دارد تست ورزشکاران برای ایجاد محرومیت و تعلیق یا محدود نمودن فعالیتهای آنها، به لحاظ اخلاقی کمتر مورد توجه قرار گرفته باشد. به عبارتی در این گونه موارد، تنها محروم شدن ورزشکاران مهم است نه جنبه‌های غیراخلاقی دوپینگ. (Malloy, Dwight, Zakus, 2002: 203-218)

تیتزل همین مشکل را به دلیل دستیابی پزشکان به اطلاعات ژنتیکی ورزشکار برای آگاهی از استفاده از مواد نیروزا مطرح می‌کند. وی به رغم آنکه دوپینگ را به لحاظ اخلاقی تقبیح می‌کند درباره صحت روشهای آزمایش دوپینگ به دلیل تعارضش با اصل آزادی افراد تردید می‌کند (Teetzel, 2007: 159-170). تصمیم‌گیری پزشکان درباره بازگشت یا عدم بازگشت ورزشکاران مصدوم به زمین بازی، به دلیل مغایرت با اختیار و آزادی ورزشکار و محدود کردن آنان (Anderson, 2007: 119-134) و یا تبعیض در ارائه امکانات لازم در زمینه مراقبتهای بهداشتی برای ورزشکاران از دیگر معضلات اخلاقی است که به آن پرداخته شده است. برخی تحقیقات، نشان می‌دهد، ورزشکاران مصدوم توانمند از نظر مالی، امکانات بهتر و سریعتری را برای بازگشت به عرصه مسابقات دارند (Tomburrini, 2007: 229-238). برخی از نویسندگان، مسائل مربوط به حساسیت اخلاقی و بی تفاوتی اخلاقی را که محصول توجه نکردن (فرد به دیگران) است مطرح می‌کنند. حساسیت اخلاقی، بر توانایی تشخیص مشکلات اخلاقی و سپس ابراز نگرانی کمتر و حساسیت کمتر دلالت می‌کند. (کرچمار¹ ۱۹۹۴)، از نمونه‌ای رفتار اخلاقی سخن می‌گوید و رفتار دختران بازیکن هنگام بازی هندبال و توقف آن هنگام آسیب یکی از آنان و نمایش چهره حاکی از نگرانی برای سلامت آن بازیکن را توصیف

1- Kretchmar

می‌کند. بسیاری از اوقات در میدین ورزشی، کسانی را می‌بینیم که در فعالیت‌های ورزشی شرکت می‌کنند و رفتار آنها حاکی از ارعاب، خشونت، تقلب و نگران نبودن از سلامت دیگر بازیکنان است. مثال کرچمار درباره حساسیت اخلاقی و بی تفاوتی اخلاقی، دیدگاهی عملی از رفتارهای احتمالی در موقعیت‌های ورزشی را ارائه می‌کند. ویژگیهای متفاوت دیگر اخلاق خوب و بد، در مقایسه و مقابله نظری، مفاهیمی هستند مانند خویشتنداری و گرایش به عقل در برابر بی پروایی و یا بی باکی و احساساتی بودن؛ احساس خوب حاصل از یک بازی همراه با انصاف در برابر تلاش برای بردن به هر قیمت؛ صبوری در برابر فرصت طلبی، شجاعت ایستادگی در برابر ارزش‌های فردی در مواجهه با دشواری‌ها در برابر تمایل نداشتن به ایستادگی در برابر ارزش‌های غیر اصلی یا فرعی برای رسیدن به موفقیت یا پیروزی. چنین مقایسه‌هایی روشن می‌کند که فرد همراه با رسیدن به نیت‌ها و یا خواسته‌هایش در ورزش باید به چگونگی رسیدن به این خواسته‌ها نیز توجه کند (دی سن سی، جوی تی و دنی روزنبرگ ۱۳۸۴: ۲۴۲-۲۴۱).

تصمیم‌گیری اخلاقی ورزشکاران در هنگام بازی نیز از موارد مهمی است که در روند شکل‌گیری مناسب و منصفانه یک فعالیت ورزشی بسیار تأثیر گذار است. گذشته از تصمیم‌گیری اخلاقی یک ورزشکار یا مربی او در عدم استفاده از مواد نپروزا که به آن اشاره شد، یکی دیگر از مواردی که در اجرای یک فعالیت ورزشی بر تصمیم‌گیری ورزشکاران اثر می‌گذارد، خطاهایی است که بازیکن مرتکب می‌شود، مانند: بازیکنی که تصمیم می‌گیرد خطا کند تا وقت بازی را تلف کند (برای بازیکنان تیم بازنده) و بازیکنی که با تظاهر به آسیب دیدن جدی (وقتی تیمش از نظر امتیاز جلو است)، خود را روی زمین می‌اندازد تا وقت بازی را به نفع تیم خود تلف کند.

مطابق با نظر سایمون، بهترین قضاوت اخلاقی در مورد بهترین دفاع در بازی فوتبال به وسیله فاکتورهایی چون سرعت، چابکی، هوشیاری در پیش‌بینی حرکت دریافت‌کننده و توانایی در جلوگیری از ارتباط توپ با بازیکن به نحوی صحیح، بیان می‌شود (Simon, 2003, 222-223) کشیدن پیراهن بازیکن، تکل از پشت، شارژ کردن بازیکن و ... مواردی از این قبیل عملکردهای غیر اخلاقی بازیکن، نتیجه تصمیم‌گیری غلط و در نتیجه عملکرد غلط اوست که با جریمه داور روبرو می‌شود؛ ضمن اینکه روح و سلامت یک بازی‌زیبا و منصفانه ورزشی را

خداشه دار می‌کند. بحث فریب دادن^۱ نیز در ورزش از گذشته به شکلی کم رنگ ترو تا امروز به شکلی مدرن و گسترده‌تر وجود داشته، دارد و اینجا نیز قابل طرح است؛ اتیزن^۲ (۱۹۸۱) در مورد فریب در ورزش، دو گونه فریب در ورزش را با عنوان فریب بهنجار و فریب انحرافی، تعریف کرده است. فریب بهنجار، عملی غیر قانونی است که به عنوان بخشی از بازی پذیرفته می‌شود. از این گونه اعمال یا چشم پوشی می‌شود یا با جریمه همراه است. فریب انحرافی عملی غیر قانونی است که پذیرفته نمی‌شود، مانند: دادن دارو به اسب یا بازیکن، دستکاری وسایل و تجهیزات، رشوه گرفتن داور یا بازیکن و مواردی از این دست که با بالاترین حد تنبیه مواجه می‌شوند. وی معتقد است که هر دوی این فریب‌ها اصول اخلاقی را نقض می‌کند و شرایط یکسان بازی را به هم می‌زند. با چنین ابزاری، افراد برای رقابت نمی‌کوشند و به نظر می‌رسد که بیشتر در اعمال غیر اخلاقی مشارکت دارند؛ چنین رفتارهایی است که در سرشت ورزش تردید ایجاد می‌کند (دی سن سی، جوی تی و دنی روزنبرگ، ۱۳۸۴: ۱۸۱-۱۸۰) و تا حد ممکن کلیه ورزشکاران و مربیان باید جهت نگه داشتن روحیه انصاف و جوانمردی در بازی از آن اجتناب کنند.

تعامل مربیان با اخلاق

بعد از ورزشکاران شاید، مهمترین عنصر یک جامعه ورزشی که بر ماهیت اخلاق نیز تأکید می‌کند، مربیان هستند. هم مربیان و هم ورزشکاران همواره با این پرسش روبه رو هستند که در دنیای ورزش، ملاکهای اخلاقی چگونه تعیین می‌شوند و مرزبندیهای اخلاقی چگونه مشخص می‌شوند، به طوریکه هم نیازهای ورزشکار و مربی و همچنین باشگاه یا سازمان مربوط را تأمین کند. مربیان و ورزشکاران باید به عنوان مهمترین اشخاص اخلاقی یک سازمان ورزشی باشند، چراکه اولاً، ابتدایی‌ترین چیزی که مردم مشاهده می‌کنند، ورزشکاران و مربیان آن سازمان یا باشگاه ورزشی هستند، دوم اینکه باشگاهها و سازمانهای ورزشی و به تبع آنها ورزشکاران و مربیان در نگاه جامعه، بیشتر مورد موشکافی دقیق قرار می‌گیرند. البته اینجا

1. Deception
2. Etizen

منظور جامعه‌ای است که افراد آن کمتر تمایلی به حرفه گرایی دارند و بیشتر به فعالیتی سالم و رقابت ورزشی مناسب توجه دارند. (Dulaney, 2001: 1-2)

مارک مک الریث^۱ معتقد است، مهمترین شخص در یک مجموعه ورزشی که از نظر اخلاقی مهم است، مربی است. مربی نقش ارتباطی مهمی را بین ارزشهای جامعه و ورزشکاران ایفاء می‌کند. وی معتقد است پنج فاکتور اخلاقی که یک مربی برای داشتن عملکرد اخلاقی باید استفاده کنند عبارتند از:

۱- استفاده از روشهای سنتی و قدیمی برای حل مشکل اخلاقی

۲- استفاده از نظرهای پذیرفته شده در عرف جامعه

۳- استفاده از قانون

۴- استفاده از مسائل مذهبی، اعتقادی و اخلاقی که مربی می‌تواند در هنگام تعلیم دادن بر آنان تکیه کند؛ مانند صبر، گذشت، فرو بردن خشم در مواردی که جریان بازی به نفع فرد یا تیم نیست.

۵- استفاده از استانداردهای اخلاقی در برابر ورزش حرفه‌ای، چون بازی

جوانمردانه و توجه به ضمیر و باطن فردی. (Bivins, 1992: 375)

دنیای ورزش به وسیله قوانین، دارای مرزبندی‌هایی می‌شود که وقتی با مسائل اخلاقی در جهت بهبود اصلاح مواجه می‌شوند، بسیار شکننده به نظر می‌آیند. دنیای ورزش و شرکت‌کنندگان در آن باید در جستجوی مربیانی باشند که به عنوان مربی به پنج تعهد اخلاقی ملزم باشند:

۱- نسبت به خودش: حفظ درستی و راستی

۲- نسبت به ورزشکاران: درست و صادقانه رفتار کردن با آنان و استفاده از رفتار حرفه‌ای

مناسب برای تضمین رفتار ورزشی آنان

۳- نسبت به سازمان ورزشی: حمایت از اهداف و سیاستهای سازمان

۴- نسبت به دانش حرفه خود: حمایت از استانداردهای صحیح حرفه‌ای با افزایش

اعتبار حرفه‌ای به واسطه صحیح عمل نمودن

1. Mark McElreath

۵- نسبت به جامعه: در نظر گرفتن ارزشها، نیازها و باورهای جامعه. به نظر می‌رسد، یک مربی موفق با در نظر گرفتن این عوامل و تعامل آنها بین خود و چهار مورد دیگر، می‌تواند در نهادینه شدن اخلاق در سطح ورزشکاران باشگاه خود و در سطح جامعه مؤثر واقع شود. (Dulaney, 2001: 4-5)

امروزه امر مربیگری در ورزش، یکی از بحثهای مجادله‌آمیز است که تأکید بسیاری بر شریف بودن و با فضیلت بودن این حرفه دارد. اما موارد فوق تنها زمانی معنا دارد که بردن، همه چیز نباشد. وقتی برای ورزشکاران و بالاتر از آن برای مربیان، بردن تنها هدف باشد، تصمیم‌گیریهای مربی، باعث از دست رفتن روح ورزش به عنوان ابزاری برای آموزش و لحظه‌ای آموزنده^۱ می‌گردد. مربی‌ای را در نظر بگیرید که به دلیل عقب افتادن تیم خود، صندلی‌اش را به زمین می‌کوبد و از کلمات زشت و رفتارهای توهین‌آمیز استفاده می‌کند. این اعمال تنها زمانی بروز می‌کند که بردن، هدف اولیه می‌شود. در این صورت باختن، نتیجه اهداف دیگر یک رقابت است. این باخت همان از دست رفتن شخصیت، احترام، عزت، صداقت و درستکاری و التزام به یک بازی منصفانه و جوانمردانه است که به نظر می‌رسد باید هدف اولیه هر مربی باشد.

در اینجا به جرأت می‌توان گفت یک مربی باید اصول مذهبی^۲، فلسفی^۳، روانشناسی^۴، ارزشیابی^۵ را سرلوحه و زیربنای حرفه مربیگری خود قرار دهد. (Dulaney, 2001: 9-11)

مربی‌ای که در فعالیت حرفه‌ای خود فلسفه مناسبی را دنبال می‌کند و به رعایت اخلاق و فضایل معنوی در چهارچوب اصول بالا متعهد است، می‌تواند راهنمای موفق و مناسبی برای ورزشکاران باشد. نکته قابل توجه در مورد رابطه مربیان و ورزشکاران این است که الگو بودن مربیان و ارائه راه‌حل اخلاقی توسط آنها برای ورزشکاران به دلیل تفاوت ادراکات و میزان

1. Teachable Moments
2. Religion
3. Philosophy
4. Psychology
5. Valuation

معلومات این دو قشر و همه‌جانبه‌نگری مربیان به ورزشکاران نباید به این معضل منتهی شود که این امر می‌تواند آزادی ورزشکاران و قدرت انتخاب و اختیار آنها را سلب کند. مشخص کردن و برشمردن وظایف ورزشکاران می‌تواند تا حد زیادی از طرح این معضل اخلاقی بکاهد. برگمن^۱، سعی می‌کند در مقاله مربیان، اخلاق و آزادی با تبیین برداشتهایی گوناگون از آزادی و ارتباط آن با رابطه مربی و ورزشکار، راه‌حلی برای این معضل بیابد. به عقیده وی در کمک به حل مشکلات اخلاقی ورزشکاران باید تا حدودی معین به آنان آزادی ابراز عقیده داده شود. (Bergmann, 2000: 102-147)

تعامل داوران و اخلاق

یکی از بحث‌انگیزترین گروه‌ها در جهان ورزش، داوران^۲ هستند. در جهان ورزش، امروز، به دلیل آنکه در بسیاری مسابقات، مقادیر زیادی پول، شرط‌بندی می‌شود، ارزشهای اخلاقی و پایبندی به آن برای این گروه بسیار مهم قلمداد می‌شود. شاید بهترین تعبیر و تعریفی که از یک داور بتوان کرد این باشد: "داوران باید عدالت را تعریف و تقسیم کنند." آیا داوری که در این جمله جای بگیرد، روندی اخلاقی را نیز در داوری خود دنبال می‌کند؟ جواب تا حدودی مثبت است. داوران باید برای داشتن یک داوری صحیح و اخلاقی، اول آموزش و تعلیم کافی را در زمینه حرفه خود دیده باشند. برای همگام شدن با پیشرفت علم، داوری نیز باید به روز باشد. بنابراین شرکت داوران در کلاسهای آموزشی، جهت بالا بردن سطح علم و آگاهی آنان در کنار داشتن تجربه و اعتماد به نفس ضروری است. شاید مثالی در این مورد ضروری باشد: در سال ۱۹۶۹ در هنگام یک بازی فوتبال در لیمای پرو، یک سوت جنجال برانگیز و ناآگاهانه، باعث نزاعی شدن، که طی آن ۳۰۰ نفر از جمله داوران آن مسابقه کشته شدند. (وینبرگ، روبرت، اس و پگی آ. ریچاردسون ۱۳۸۱: ۹۹) یا در جامعه ورزشی خودمان سالهاست مسابقات فوتبال دو تیم محبوب پایتخت، فقط با حضور داوران خارجی برگزار می‌گردد. بنابراین در ارتباط با داوران علاوه بر ماهیت نشاط‌آمیز ورزش و بار کنترل هیجانانگیز مربیان،

1. Bergmann
2. Referees

ورزشکاران و تماشاگران، که داوران باید به آن توجه کنند، کاهش سطح علم و آگاهی و عدم داشتن اعتماد به نفس آنان در هنگام داوری، بر تنش‌زا بودن داوری یک مسابقه می‌افزاید. نکته دیگری که گاهی باعث ناداوریهایی در دنیای ورزش می‌شود، بحث مالی است. در بین کل جامعه ورزشی به جز تماشاگران که برای دیدن یک مسابقه حاضر به دادن پول هستند، داوران کمترین درآمد را دارند. بنابراین سازمانهای ورزشی جامعه باید ضمن تأمین مالی داوران و توجه به تلاش مهم و تأثیرگذار این گروه از جامعه عظیم ورزشی، به تربیت و ارزشیابی داوران، کمک کنند. توجه به این امر باعث می‌شود، گاه پایبندی اخلاقی داوران، تحت الشعاع مسائل مالی قرار نگیرد. بنابراین رعایت اصول اخلاقی، برای داوران نیز بسیار مهم و ضروری است. در اینجا بی‌مناسبت نیست به طبقه‌بندی استانداردهای اخلاقی داوران ورزشی نیز اشاره شود:

- ۱- بی‌طرفی: داوران باید بی‌طرفانه و بدون تعصب و ابهام داوری کنند.
- ۲- عدم وابستگی: داوران باید بدانند، از هر آنچه آنها را از واقعیت، درستی و حقیقت دور می‌کند، اجتناب کنند. (مانند: وابستگی به یک تیم، هدیه یا پول گرفتن، در استخدام یک تیم خاص بودن و...)
- ۳- ادب و تواضع: داوران باید در نهایت تواضع و ادب رفتار کنند. رفتارهای مطلوب اخلاقی با بازیکنان، مربیان، داوران، رسانه‌های گروهی و ...
- ۴- ارتقاء دانش فنی: داوران باید درصدد پیشرفت خود از طریق آموزش، مطالعه، افزایش تجربه و... باشند.
- ۵- شرکت نکردن در فعالیتهای ناجوانمردانه ورزشی: داوران نباید در قضاوت‌های خود، عوامل اقتصادی، نژاد، جنس، رنگ، سن، ناتوانی جسمی و ملیت و قومیت را در نظر بگیرند و باید منصفانه وجوانمردانه داوری کنند. (بای، جان، ۱۳۸۶: ۱۲۰) به نظر می‌رسد برای داشتن یک داوری مناسب، اخلاقی و صحیح، پیروی از روند ذکر شده ضروری باشد.

تماشاگران، اخلاق یا ضد اخلاق؟

امروزه، انتظارات جوامع مدرن از ورزش صرفاً تقویت قوای بدن و اجرای برنامه‌های ورزشی به مناسبت‌های مختلف نیست، بلکه ورزش، به عنوان بهترین وسیله برای پر کردن

اوقات فراغت مردم نیز تبدیل شده است. ورزش در گذشته جنبه مشارکتی داشت و کسی از ورزش سود می‌برد که به صورت عملی و مستقیم در محیطهای ورزشی حاضر می‌شد و یا در همان محل از رویدادها و مسابقات، دیدن می‌کرد. اما امروزه جنبه تماشاگری ورزش بیشتر شده است، به نحوی که در مسابقات ۲۰۰۰ سیدنی که ۱۱۰۰۰ نفر شرکت کننده داشت، قریب به دو میلیارد نفر بازیهای المپیک را که به وسیله ماهواره در سراسر جهان پخش می‌شد، تماشا می‌کردند. (شعبانی بهار، ۱۳۸۴: ۱۵۶) و البته این تعداد در المپیک ۲۰۰۸ پکن روند رو به افزایش بیشتری داشت.

تماشاگران، این طیف وسیع از جامعه ورزش که به جرأت می‌توان گفت در بین ورزشکاران، مربیان، داوران، رسانه‌های گروهی، مدیران باشگاهها، بیشترین از نظر تعداد هستند آثار مهمی را نیز از نظر موارد مختلف و از جمله بعد اخلاقی بر روی ورزش دارند. از دیدگاه داوران و بازیکنان در بازیها و مسابقاتی که تماشاگران حضور دارند، تماشاگران در بسیاری از موارد، منبع اصلی آشفتگی هستند. آنها بخشی از مسابقه هستند که از لحاظ فیزیکی نمی‌توان حضور آنها را حذف کرد. تماشاگران می‌توانند به طریق مختلف بر داوری داوران و بازی بازیکنان، تأثیرگذار باشند.

اما چه عاملی عملکرد اخلاقی یا غیراخلاقی تماشاگران را تعیین می‌کند؟ آنچه عملکرد اخلاقی تماشاگران را از هم متفاوت می‌کند و باعث می‌شود آنها به دو گروه تقسیم شوند، سطح انگیزش است. دیکسون^۱ (2007) بر این اساس تماشاگران را به دو دسته تقسیم می‌کند:

۱- طرفداران افراطی^۲، که حمایتشان از تیم مربوط به دلیل تعصبات شهری، گویشی، جغرافیایی و آشنایی است. مانند تیمهای فوتبال و والیبال یک شهر خاص، تیم بسکتبال یک دانشگاه خاص که تماشاگران خاص خود را دارند.

۲- طرفداران منصف^۳ که از بهترین بازی و بهترین بازیکنان حمایت می‌کنند و البته حمایتشان بسیار انعطاف‌پذیر است. به عبارت دیگر اگر تیم محبوب آنها، کمتر از حد انتظار

1. Dixon
2. Partisan
3. Purist

ظاهر شود، آنها دیگر طرفدار تیم خود نبوده و از تیم مقابل به خاطر بازی بهتر حمایت خواهند کرد. طرفدارن افراطی یا گروه اول، در هرحالتی حامی تیم خود و مخالف هر عملی هستند که مغایر نظرات آنها در مقابل تیم محبوبشان است؛ مانند نظر داور، خطای بازیکن حریف، اعتراض تماشاگران تیم مقابل و ... به نظر می‌رسد مشکلی که از طرف این گروه از تماشاگران ایجاد می‌شود، بسیار زیاد باشد.

واژه اوباشگرایی^۱، ویژه برخی از تماشاگرانی است که به هر دلیلی جز انصاف، عدالت و توجه به روح بازی، رفتارهای خشونت‌آمیز را بر علیه بازیکنان و تماشاگران تیم حریف و داوران، به کار می‌برند. (Dixon, 2007: 441-449)

به هر حال دیکسون معتقد است که ما نیاز به داشتن دسته سومی از تماشاگران داریم. وی آنها را «طرفداران میانه رو»^۲ می‌نامد که هم صداقت و عشق با ثبات طرفداران گروه اول را به تیم محبوب خود و هم واقع‌بینی، انصاف و حمایت از بازی منصفانه و بدون خشونت گروه دوم را به دنبال داشته باشند. وی با سه دلیل اخلاقی نظر خود را مبنی بر طرح گروه سوم از تماشاگران، اثبات می‌کند:

۱- حمایت و علاقه مطلق، آسیب‌پذیر و مستبدانه گروه اول، به دلیل غیر عادی و احساساتی بودن قابل دفاع نیست چون بیشتر ترویج تعصبات پوچ و خالی قومیت‌گرایی است تا عشق و علاقه به معنای واقعی به تیم مربوط.

۲- وفاداری تماشاگران منصف یا گروه دوم نیز قابل دفاع نیست، چون این گروه در تماشای بازی به دو هدف جزئی توجه دارد، سرگرمی و هیجان. اما آنچه مهم است اینکه ورزش، نمایش تواناییهای عالی بدن و کیفیتهای برتر ذهنی، مانند استراتژیهای خاص بازی و حفظ خونسردی و آرامش هنگام فشار و عصبانیت است. نمایش اجرای هنرمندانه برخی موسیقی‌دانها و هنرمندان دیگر رشته‌های هنری، مشابه اجرای عالی و بی‌نقص حرکات ورزشی ورزشکاران ماهر و زبده است که این گروه تماشاگران به این موضوع توجه کمی دارند.

1. Hooliganism
2. Moderate Partisan

۳- ورزش اساساً، ارزشی برای طرفداران خشن گروه اول که با تجاوز به حقوق دیگران، کلمات زشت و رفتارهای زننده انجام می‌دهند قائل نبوده است و از طرفی به تماشاگران گروه دوم نیز که شباهت به طرفداران قانون سودمندگرایی^۱ دارند کمتر توجه می‌کند. چون تماشاگرانی از این دست، تمایل و طرفداریشان از تیم محبوبشان، از فصلی به فصل دیگر تغییر کرده و کم و زیاد می‌شود. به هر حال آنچه به نظر صحیح می‌آید، این است که تماشاگران، معیارهای اخلاقی را برای انتخاب تیم خود انتخاب کنند و بخصوص مانند تماشاگران با اخلاق رفتار نمایند و به عنوان تماشگری که عاشق تیم خود است، بر اساس تلاش بی‌نظیر، رفتار ورزشی منصفانه، اجرای زیبا و هوشمندانه، از بازیکنان و تیم خود حمایت کنند.

مدیران باشگاه‌ها و سازمانهای ورزشی و انتظارات رفتار اخلاقی از آنان

مسئول بودن یک مدیر در محیط ورزشی در برابر اعمال شخصی و حرفه‌ای، نیازمند تفکر او درباره دیدگاه‌های اخلاقی و درک آنهاست. همانطور که تا کنون بارها به آن اشاره شده است، نهاد اجتماعی ورزش بدون مسئولیت نیست و کسانی که به عنوان مدیر به برنامه‌های آن خدمت می‌کنند، مسئول هستند.

ایتزن^۲ (۱۹۸۸) با اشاره به بهره‌گیری از اصول اخلاقی در شناخت مسئولیت و رفتار مدیران باشگاه‌ها و سازمانهای ورزشی اصولی را ارائه کرده که به قول وی آرمانهای اخلاقی ورزش و وظیفه حرفه‌ای در برابر نهاد ورزش را آشکار می‌کند؛ این اصول عبارتند از:

ورزشکاران باید به عنوان هدف به شمار آیند نه وسیله.
رقابت باید همراه با عدالت یا انصاف باشد.
فرصت شرکت در فعالیت و رهبری و بهره‌گیری از منابع و جوایز باید بر اساس پیشرفت داده شود نه بر اساس ویژگیهای منسوب.

فعالیت‌های ورزشی باید ایمنی ورزشکاران و شرکت کنندگان را فراهم کند.
توجه به این امر مهم است که مدیران ورزشی مسئول اطمینان از این امر هستند که

1. Rule- Utilitarian
2. Eitzen

برنامه‌های ورزشی منطقی هستند و به گونه‌ای اخلاقی اداره می‌شوند. این مسئولیت، نظارت بر کارکنان، منابع، امکانات، تحولات، در دسترس بودن قوانین و مقررات برای بازیکنان و کارکنان، روشن و صریح بودن قوانین و عدم طرفداری از برخی بندهای آن، عدم توجه و در صورت لزوم برخورد با خواسته‌های غیر اخلاقی در قراردادهای حرفه‌ای که توسط برخی مربیان و بازیکنان، ارائه می‌گردد، ارزشیابی صحیح عملکرد بازیکنان، مربیان، کمک مربیان و سرپرستان به شکلی صحیح، عادلانه و منصفانه و منوط به حقایق آماری است (دی سن سی، جوی تی و رنی روزنبرگ ۱۳۸۴: ۱۷۹-۱۷۷).

از طرفی NASO¹ انجمن ملی مسئولان ورزشی، معتقد است، وظیفه مدیران و مسئولان ورزشی یک هنر است و به عنوان قضاوت بی طرفانه و منصفانه در رقابت‌های ورزشی بسیار تأثیر گذار است، همچنین اشاره می‌کند که روش این افراد باید حرفه‌ای باشد و علی‌رغم اختیار و آزادی عمل، باید درجه بالایی از تعهد و تخصص را نیز شامل شود. کدهای اخلاقی که این انجمن ارائه می‌دهد شامل موارد زیر می‌گردد:

- ۱- آماده کردن خطوط راهنما و استانداردها برای مسئولان ورزشی خود.
- ۲- آماده کردن خطوط راهنما و استانداردها برای مسئولان ورزشی دیگر سازمانها و نهادهای مربوط.

آماده کردن خطوط راهنما و استانداردها برای بازیکنان، مربیان، مدیران، تماشاچیان و مطبوعات به عنوان مدرک قضاوت و عملکرد (sport official code of ethics 2008/6/19). با آنچه تا به حال گفته شد در می‌یابیم، مسئولیت همه تصمیم‌ها و اعمال اخلاقی در ورزش بر عهده تمام کسانی است که به گونه‌ای با ورزش و فعالیت بدنی مربوط هستند، اما مدیران و مسئولان باشگاه‌ها و سازمانهای ورزشی در ایجاد شرایطی از بازی همراه با انصاف، ایمن و در چهارچوب قانون نقش کلیدی در این زمینه ایفا می‌کنند.

1. National Association of Sport Officials (NASO)

رسانه‌های گروهی و اخلاق

از اولین بازیهای مدرن المپیک در آتن که به وسیله خبرنگارانی پوشش داده شد که با تلگراف بین المللی، اخبار ورزشی را به روزنامه‌های خود گزارش می‌کردند تا بازیهای المپیک آتلانتا که شانزده هزار خبرنگار از ایستگاههای مختلف رادیو و تلویزیونی، بیش از سه هزار ساعت اخبار را به میلیاردها طرفدار و تماشاچی ورزش در گوشه و کنار جهان گزارش کردند، سالها می‌گذرد. (جکسون، پالمر، 1383: 325)

به نظر می‌رسد، ورزش و رسانه‌های گروهی چون تلویزیون، رادیو، مطبوعات، خبرنگاران و مجریان این رسانه‌ها، ویژگیهای بسیار مشترکی دارند و آن اینکه، هر دو متولی ایجاد ارتباط عظیم بین مردم هستند و هر دو موانع نژادی، فرهنگی و فواصل جغرافیایی بین افراد را از بین می‌برند. مسابقه‌ای را در نظر بگیرید که در آن ورزشکاران به دلیل اینکه، یکی از بازیکنان تیم حریف، آسیب دیده و ناراحت به روی زمین افتاده، توپ را بیرون می‌زند و بازی را نگه می‌دارد. یا در صحنه‌ای دیگر، مربی‌ای را در نظر بگیرید که علی‌رغم شکست تیمش، بازیکنان خود را به آرامش، صبر و بازی جوانمردانه دعوت و تشویق می‌کند. نشان دادن این موارد و مواردی برخلاف این، تنها از طریق رسانه‌های گروهی به سرعت و هم‌زمان انعکاس می‌یابد.

با توجه به نقش مهم و انکارناپذیر رسانه‌های گروهی، آنها، چگونه می‌توانند، اخلاقی عمل کنند؟ اول اینکه، در بین رسانه‌های گروهی، نقش سیما (تلویزیون) بسیار تعیین کننده است، چون مخاطبان بسیار بیشتری از روزنامه‌ها و رادیو دارد؛ ضمن اینکه هم‌زمان، مسابقات را پوشش می‌دهد. از طرف دیگر تردیدی نیست که در بین مسابقات ورزشی مختلف، ورزش فوتبال، همیشه طرفداران بیشتری دارد و می‌تواند با به تصویر کشیدن جلوه‌های اخلاقی در میادین ورزشی، ضمن فرهنگ سازی در بین جوانان، به معرفی ورزشکاران الگو پردازد. (نقش صدا و سیما در موفقیت‌های ورزشی آفرینش، سوم خرداد 1385). دوم اینکه، مجریان رادیو و تلویزیون و خبرنگاران روزنامه‌ها، سعی کنند که همواره مسائل صحنه‌ها را منصفانه و به دور از تعصب، گزارش کنند.

سوم اینکه، مجریان و خبرنگاران بدانند که ورزشکاران جوان و موفق، نقش الگو را برای جوانان و نوجوانان دارند. بنابراین ترویج خشونت، استفاده از اصطلاحات غیر اخلاقی و زشت، استفاده از داروهای نیروزا و... از طرف هر ورزشکاری و در هر سطحی را همواره در

گزارشها و اخبار خود محکوم کنند. و آخر اینکه، سعی کنند داوران را حمایت کنند و قضاوت در مورد داوری داوران را بر عهده کارشناسان داوری بگذارند و همیشه هنگام گزارش دادن بر کیفیت بازی تأکید کنند تا بدین وسیله از بار خشونت و فشار بازی کاسته شود. توجه به این موارد و اهمیت قائل شدن برای روح ورزش و انجام یک بازی جوانمردانه و منصفانه به دور از خشونت و تخطی از قانون، و با احترام به داور، حریف، مربی و تماشاگران باید سرلوحه کار مجریان برنامه‌های ورزشی رادیو تلویزیونی و گزارشهای خبرنگاران باشد. شاید رعایت این مورد نیز یکی از راههایی باشد برای جلوگیری از روند غیر اخلاقی که امروزه ورزش را تحت الشعاع قرار داده است.

نتیجه‌گیری

ما در جامعه خود و بخصوص در جامعه ورزشی خود، نیاز به جوانانی داریم که به ورزش، تعهد اخلاقی داشته باشند و به آن به عنوان نوعی فعالیت یا تمرین اخلاقی¹ نگاه کنند. می‌خواهیم در ورزش، جوانان از نظر خصوصیات فضیلت اخلاقی روز به روز پیشرفت کنند و به انجام دادن روشهای پست و نادرست جهت رسیدن به پیروزی، نپردازند. در این میان چه از دیدگاه عرف و سنت و چه از دیدگاه تاریخی، فضیلت اخلاقی باید به عنوان چتری، رفتارهای ورزشی را در برگیرد و تبیین کننده بازی منصفانه ورزشی باشد. فضایل اخلاقی چون جوانمردی، بازی جوانمردانه ورزشی، تأکید بر تمرکز و تکامل بازی با در نظر گرفتن قوانین و احترام به آن، همکاری و دوستی بین هم تیمی و حریفان، کیفیت‌هایی هستند که می‌توانند در جریان بازی، هم به نمایش گذارده شوند و هم پیشرفت کنند. بازیکن فوتبالی که با دست، توپ را به دروازه می‌فرستد، بدون اینکه داور بفهمد، نمونه‌ای است از نمایش بازی غیرمنصفانه و ناجوانمردانه ورزشی که بیشتر مورد توجه بعد مطبوعاتی، تجاری و تبلیغاتی ورزش است. یکی از توانایی‌های ورزش در آن است که به عنوان محلی برای پرورش مجموعه‌ای از

1. Moral Practice

فضایل اخلاقی است که همراه با آن سلامتی بدن را نیز در پی دارد. اگر ورزش نبردی بی‌رحمانه در قبال حریفی غول‌پیکر در نظر گرفته شود که باید با وی رفتار خشونت‌آمیز داشت و الفاظی زشت به کار برد تا به هر طریقی، بازی را برد، باید به وجود روح اخلاق و فضیلت در ورزش شک کرد. در ورزش، فعالیت‌های غیراخلاقی با مشخصاتی چون، خودپرستی^۱، بازی غیرمنصفانه^۲، کینه‌توزی^۳، خشونت و تهاجم همراه است. شخصی که این موارد را در بازی نشان دهد، برخلاف ویژگی فضیلت اخلاقی، بازی منصفانه ورزشی و پرورش آن، گام برمی‌دارد.

به هرحال، حفظ و رعایت قوانین بازی به همراه انجام بازی به شکل واقعی و منصفانه می‌تواند و باید به عنوان اولین گام ارزشمند در جهت توسعه و پیشرفت ورزش در جهت اخلاقی شدن باشد. (Janes & Mc Namee, 2003: 45-51)

این موضوعی است که دنیای ورزش علی‌رغم تمام پیشرفت‌هایش در تمام زمینه‌ها، باید به آن توجهی ویژه نشان دهد. توجه به بازی منصفانه در کلیه میادین ورزشی، توسط ورزشکاران، مربیان و ... نشانگر توجه و اهمیت کل جامعه به فضیلت، اخلاق و انصاف است که توسط آیین ورزش می‌تواند در تمام صحنه‌های ورزشی انعکاس یابد.

منابع و مآخذ

- ۱- آذربانی، احمد و رضا کلانتری، (۱۳۸۵)، "اصول و مبانی تربیت بدنی ورزشی"، تهران، انتشارات آبیژ، ویرایش دوم، چاپ اول.
- ۲- بای، جان، (۱۳۸۶)، "فوق برنامه و تفریحات سالم ورزشی"، ترجمه: فریدون تندنویس، تهران، انتشارات دانشگاه تربیت معلم تهران، چاپ اول.
- ۳- جکسون، راجر و ریچارد پالمر، (۱۳۸۳)، "راهنمای مدیریت ورزشی" ترجمه: محمد خبیری، نصرالله سجادی، رحمت الله صدیق سروستانی، محمد عزیزی، عباسعلی گائینی و

1. egoism
2. unfairness
3. malice

- شکوه نوابی نژاد، تهران، انتشارات کمیته ملی المپیک، چاپ سوم.
- ۴- دی سن سی، جوی تی و دنی روزنبرگ، ۱۳۸۴، "اخلاق در مدیریت ورزشی"، ترجمه: سید محمد حسین رضوی و محسن بلوریان، تهران، انتشارات سازمان تربیت بدنی.
- ۵- شعبانی بهار، غلامرضا، (۱۳۸۴)، "اصول و مبانی تربیت بدنی و ورزش"، همدان، انتشارات دانشگاه بوعلی سینا همدان، چاپ اول.
- ۶- طباطبایی، علامه سید محمد حسین، ۱۳۸۲، "ترجمه تفسیر المیزان"،
- ۷- کاشف، مجید، (۱۳۸۰)، "اخلاق، بازیهای المپیک و مقایسه آن با ورزش در ایران باستان"، فصلنامه المپیک، شماره ۳ و ۴، صفحات ۷-۳.
- ۸- وینبرگ، روبرت، اس و پگی آ. ریچاردسون، ۱۳۸۱، "روانشناسی دآوری"، ترجمه: سیروس چوبینه، تهران، انتشارات پژوهشکده تربیت بدنی، چاپ اول.
- 9-Anderson, Lynley," (2007) ,Doctoring Rick: Responding to Rick- Taking in Athletes", Sport, Ethics and Philosophy, No: 4, pp: 119-134.
- 10- Bergmann Drewe, Sheryle," (2000), Coaches, Ethics and Autonomy", Sport, Education and Society, No: ۵, pp: 147-162.
- 11- Bivins, T," (1992), A Systems Model for Ethical Decision Making in Public Relation", Public Relation Review, No: 4, pp: 375.
- 12- Boxill, Jan," (2003) ,The Ethics of Competition", Jon Boxill "Sport Ethics", Publisher: Black well, First Edition.
- 13- Bredemeier,B.J and Shields, D.L. (1984) ,"Divergence In Moral Reasoning a bout Sport and Every Day Life", Sociology of Sport Journal, No: 1, pp: 348-357.
- 14- Chelladurai, Packianathan, (1999), "Human Resource Management in Sport and Recreation ", Publisher: Human Kinetics, First Edition.
- 15- Dixon, Nicholas, (2007) ,"The Ethics of Supporting Sport Teams", Morgan William,J."Ethics in Sport " Publisher: Human Kinetics, First Edition.
- 16- Dulaney, Sue, (2001), "Ethics in Coaching?", the Sport Journal, No: 4, pp: 9-11.
- 17- Jones, Carwyn & Mike Mcnamee, (2003), "Moral Development and Sport: Character and Cognitive Developmentalism Contrasted". Jon Boxill," Spout Ethics", Publisher: Black Well, First Edition.
- 18- Malloy, D.C: Dwight, H. Zakus, (2002), "Ethics of Drug Testing in Sport – An Invasion of Privacy Justified?" Sport, Education and Society, No: 7, pp: 203-208.
- 19- Pearson, Kathleen M." (2003), Deception, Sportsmanship and Ethics" Jan Boxill, "Sport Ethics", Publisher: Black Well First Edition.
- 20- "Sport Official Code of Ethics" , www.naso.org/benefits/ethics.htm,

- (2008/6/19).
- 21- Simon, Robert L. (2003), "The Ethics of Strategic Fouling" Jan Boxill, "Sport Ethics", Publisher : Black well First Edition.
- 22- Teetzel, Sarah, (2007), "Respecting Privacy in Detecting Illegitimate Enhancements in Athletes" Sport, Ethics and Philosophy, No: 1, pp: 159-170.
- 23- Tamburrini, Chaudio M. (2007) "What's Wrong with Genetic Inequality? The Impact of Genetic Technology on Elite Sport and Society", Sport, Ethics and Philosophy, No: 1, pp: 229-238.
- 24- Www. Afarineshdaily. ir ,(1385/3/8)

